

بررسی رابطه توسعه تجارت با رشد اقتصاد در ایران

دکتر حمیدرضا علیپور^۱ - مریم قدکچی^۲

چکیده

با توجه به اهمیت شناخت آثار توسعه تجارت و آزادسازی تجاری بر بخش های مهم اقتصادی کشور، این مقاله به بررسی آثار و ارتباط علی بین توسعه تجارت خارجی و رشد اقتصادی در ایران با استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری (VAR) و روش های توابع عکس العمل آنی و تجزیه واریانس در چارچوب این الگو می پردازد. همچنین با توجه به اینکه متغیرهای: صادرات حقیقی، نرخ تعرفه ی وارداتی و سرمایه انسانی نقش تعیین کننده ای در توضیح دهی تولید ناخالص داخلی دارند این مهم استنباط می گردد که توسعه تجارت و آزادسازی تجاری در اقتصاد ایران موجب کاهش سطح توسعه مالی نمی گردد و ارتباط علی مثبتی بین توسعه تجارت و رشد اقتصادی وجود دارد که ناشی از تأثیر مثبت رشد واردات بر رشد جمع ارزش افزوده بخش های صنایع و معادن و کشاورزی و ناشی از تأثیر مثبت رشد صادرات نفتی بر رشد ارزش افزوده بخش خدمات است. نتایج همچنین مؤید وجود ارتباط دو سویه ای بین رشد واردات و رشد اقتصادی بدون نفت است. بنابراین به منظور بهبود و توسعه بخش مالی اقتصاد، سیاست های آزادسازی تجاری و توسعه تجارت و صادرات توصیه می گردد با طرح این پیشنهاد که ایران نیازمند اتخاذ همزمان دو روش جایگزینی واردات و جایگزینی صادرات است.

واژگان کلیدی: تجارت خارجی، رشد اقتصادی، استراتژی توسعه صادرات، جایگزینی واردات، جایگزینی صادرات، آزادسازی تجاری، اثر تولیدی، اثر مصرفی

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی/بازاریابی دانشگاه آزاد رشت

از آنجا که بخش مالی روی دوم سکه اقتصادهای مدرن و دو بازار از چهار بازار اصلی موجود در اقتصاد (کالا، کار، پول و سرمایه) را در بر می‌گیرد، در سال‌های اخیر ارتباط تجارت با توسعه بخش مالی (اول: تأثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی، دوم: تأثیر رشد اقتصادی بر تجارت خارجی) مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

در مورد مبحث اول (تأثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی) نظریات و تئوری‌های اقتصاددانان را می‌توان به دو دسته موافقان تجارت آزاد و مخالفان تجارت آزاد تقسیم بندی کرد. موافقان تجارت آزاد معتقدند که تجارت آزاد، رشد اقتصادی را شتاب می‌دهد و از آن به عنوان موتور رشد اقتصادی یاد کرده‌اند. اما مخالفان تجارت آزاد، آن را عامل مهمی در کاهش رشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌دانند. به طور کلی برخی از اقتصاددانان بر این باور هستند که افزایش تجارت در یک کشور موجب افزایش نیاز صنایع و بنگاه‌های آن کشور به منابع مالی خارج از آن بنگاه‌ها و صنایع می‌گردد و به تبع آن موجب تعمیق بیشتر سیستم مالی آن کشور می‌شود. از طرف دیگر برخی اقتصاددانان معتقدند که با باز شدن تجارت در کشورهای در حال توسعه و به علت عدم توسعه مالی در این کشورها، تقاضا برای خدمات مالی کشورهای خارجی را افزایش می‌دهد که این امر موجب محدود شدن بخش مالی کشور داخلی می‌گردد. در مورد مبحث دوم (تأثیر رشد اقتصادی بر تجارت خارجی) سه دسته بندی وجود دارد که عبارتند از: (۱) رشد اقتصادی حامی تجارت، (۲) رشد اقتصادی ضد تجارت، (۳) رشد اقتصادی خنثی نسبت به تجارت.

با فعال شدن سازمان تجارت جهانی و پیوستن کشورهای بیشتری به آن، کشورهای در حال توسعه در یک تغییر جهت کلی برای به انجام رساندن آزادسازی تجارتی مبادرت ورزیدند، یعنی کشورهایی که ارتباط تجارت خارجی و رشد اقتصادی را به ضرر خود دیدند، استراتژی جایگزینی واردات و آنهایی که ارتباط تجارت خارجی و رشد اقتصادی را به نفع خود ارزیابی کردند استراتژی توسعه صادرات را اتخاذ نمودند. این که استراتژی توسعه صادرات مناسب تر است یا استراتژی جانشینی واردات بستگی به شرایط اقتصادی کشورها از لحاظ منابع رشد اقتصادی دارد. بنابراین در این مقاله به بررسی این مطلب می‌پردازیم که افزایش تجارت، وضعیت توسعه مالی اقتصاد ایران را چگونه متأثر خواهد ساخت؟ بدین منظور ابتدا مروری بر ادبیات مربوط به نقش تجارت در توسعه مالی خواهیم داشت و پس از آن به ارائه الگوی مناسب و برآورد و تحلیل آن به منظور بررسی آثار توسعه تجارت بر توسعه مالی در اقتصاد ایران پرداخته می‌شود.

۲- مروری بر ادبیات موضوع

در رویکرد جدید مدل‌های رشد، امکان وجود رابطه بلند مدت میان جهت‌گیری تجاری و رشد اقتصادی به روش‌های مختلف زیر تشریح شده است:

۱- با آزادسازی واردات انتظار می‌رود تا از طریق واردات کالاهای سرمایه‌ای با تکنولوژی پیشرفته، انتقال تکنولوژی به داخل کشور صورت پذیرد.

۲- به طور کلی استراتژی توسعه جهت‌گیری صادراتی نسبت به استراتژی جانشین واردات دارای عملکرد رضایت بخش تری است (کراگر ۱۹۸۷).

۳- به کارگیری استراتژی برون‌گرا به سرمایه‌ی خارجی مورد استفاده جهت توسعه‌ی اقتصادی بدون مواجه شدن با مشکلاتی نظیر بدهی (اعم از داخلی و خارجی) منجر می‌شود (دلار ۱۹۹۲).

۴- با آزادسازی تجاری به لحاظ اینکه اثرات سرریز مثبت ناشی از توسعه‌ی تکنولوژی کشورهای صنعتی، اقتصاد را به مقیاس‌های بزرگ اقتصادی در تولید هدایت می‌کند، این امر به تسریع در رشد اقتصادی منجر می‌شود زیرا یک اقتصاد با درجه‌ی بالای بازبودن تجاری و رژیم تجاری با محدودیت پایین، همواره از قابلیت بیشتری برای جذب تکنولوژی جهت‌گیری شده از کشورهای پیشرفته برخوردار می‌باشد (لوپز ۱۹۹۵).

الف) تأثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی

در مبحث تأثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی، نظریات دوگانه‌ای وجود دارد:

نظریات گروه اول که موافقین تجارت آزاد می‌باشند:

(۱) دیوید هیوم با بیان آنچه اصطلاحاً "جریان مسکوک" نامیده شد با استفاده از نظریه مقداری پول نشان داد که ورود یک جریان طلا به دنبال فزونی صادرات بر واردات کشور باعث می‌شود قیمت‌های داخلی بالا برود و لذا صادرات کاهش و واردات افزایش یابد و در شرایطی که آزادی تجاری برقرار باشد، موازنه پرداخت‌های هر کشوری متعادل خواهد بود. یعنی توزیع بین المللی مسکوک با توجه به سطح توسعه اقتصادی هر کشور صورت می‌گیرد. دیوید هیوم معتقد بود که آزادی سیاسی از آزادی اقتصادی سرچشمه می‌گیرد.

جان استوارت میل اثرات تجارت را به "اثر مستقیم" و "اثر غیر مستقیم" تقسیم نمود. به عقیده وی تجارت بین الملل به کارایی بیشتر عوامل تولید در سطح بین المللی منجر می‌گردد که میل آنرا مزیت اقتصادی مستقیم تجارت خارجی می‌دانست. از دید او یکی از مهم‌ترین اثرات غیر مستقیم تجارت این است که تجارت بین الملل با بسط و گسترش بازار کالا و خدمات منجر به ارتقاء سطح فرآیند تولید می‌شود.

۲) نظریات گروه دوم که مخالفین تجارت آزاد می باشند: فریدریک لیست معتقد است که آزادی تجارت در جهان فکر ایده آلی است که تنها در آینده دور قابل دسترس است. به نظر او، هر کشور باید با وضع تعرفه گمرکی و حتی ممنوعیت ورود کالاهای خارجی، به تقویت بنیان های تولیدی خود بپردازد.

هانس ولفگانگ سینگر ثابت کرد که سیر تاریخی رابطه مبادله مواد اولیه طی سال های ۱۸۷۰ تا ۱۹۴۹ جهتی نزولی داشته است که معلول روابط کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه می باشد و این روند در صورتی که تغییرات اساسی در صحنه اقتصاد بین الملل اتفاق نیفتد ادامه خواهد یافت. او معتقد است که سیاست تجارت آزاد برای کشورهای در حال توسعه فقط در صورتی مناسب است که شرایط بین المللی برای آن مساعد باشد؛ در غیر این صورت به زیان این کشورها تمام خواهد شد.

در ایران نیز مطالعه ی برادران شرکا و صفری (۱۳۷۷) با استفاده از الگوی فدر (۱۹۸۲)، اثر صادرات را بر رشد اقتصادی مورد آزمون نشان می دهد که نتایج حاصله، اثر مثبت صادرات را بر رشد اقتصادی ارزیابی می کند.

ب) تأثیر رشد اقتصادی بر تجارت خارجی

این که رشد اقتصادی چه تأثیری بر حجم تجارت خارجی می گذارد بستگی به دو اثر مختلف دارد:

- ۱- نرخ رشد تولید کالاهای صادراتی و نرخ رشد تولید کالاهای وارداتی (اثر تولیدی).
- ۲- الگوی مصرفی کشور، هنگامی که درآمد ملی از طریق رشد اقتصادی افزایش می یابد (اثر مصرفی)

اگر تولید و مصرف هر دو موافق تجارت باشند، حجم تجارت به تناسب محصول از رشد سریعتری برخوردار خواهد بود.

اگر تولید و مصرف هر دو ضد تجارت باشند، حجم تجارت به تناسب رشد محصول از رشد کندتری برخوردار خواهد بود و ممکن است مطلقاً کاهش یابد.

اگر تولید موافق تجارت و مصرف ضدتجارت باشد و بالعکس، تغییرات در حجم تجارت بستگی به اثر خالص این دو نیروی متضاد دارد.

در شرایطی که تولید و مصرف هر دو خنثی باشند، نرخ رشد تجارت با نرخ رشد محصول یکسان خواهد بود.

۳- تحلیلی بر سیاست های بازرگانی

با توجه به تئوری های مختلف، سه نوع استراتژی جهت توسعه تجارت در کشورهای مختلف در نظر گرفته میشود:

الف) استراتژی توسعه صادرات

یکی از ابزارهای سیاست توسعه صادرات تشویق صادرات توسط پرداخت یارانه به صادر کنندگان یا قائل شدن تخفیف های مالیاتی در بخش صادرات است. از ابزارهای دیگر، ایجاد مناطق آزاد تجاری، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی است. ابزار دیگر، کاهش ارزش پول است. این درحالی است که از نظر اصول اقتصاد کلان، استفاده از این سیاست بدون توجه به اثر آن بر موازنه پرداخت ها و سایر تأثیرات منفی مانند تورم اشتباه است. همچنین باید توجه داشت این سیاست منجر به گرانی واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای که خود در فرآیند تولید نقش دارند، خواهد شد.

ب) استراتژی جایگزینی واردات

برخی از اقتصاد دانان توسعه که به مطالعه وضعیت کشورهای در حال توسعه پرداختند استراتژی جایگزینی واردات را پیشنهاد کردند. تحت این استراتژی، کشور با استفاده از انواع حمایت ها و محدودیت های تعرفه ای و غیر آن، واردات را محدود می نماید تا افزایش توان تولید داخلی کالای مشابه خارجی را بنا نهد. از علل اتخاذ این استراتژی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

تخریب رابطه مبادله در کشورهای در حال توسعه، حمایت از صنایع نوزاد و تعادل در تراز پرداخت ها.

پ) استراتژی جایگزینی صادرات

الگوی کشورهایی که راهبرد صادرات کالاهای صنعتی را اختیار کرده و از مزیت فراوانی منابع انسانی بهره بردند از الگوی توسعه صادرات متمایز شده و گستاو رانیس آن را «جایگزینی صادرات» نامیده است. به عبارت دیگر در این عرصه دو دیدگاه قابل بررسی است: یکی، توسعه صادرات کالاهای ابتدایی و مواد اولیه و دیگری، توسعه صادرات کالاهای صنعتی کاربر. در استراتژی جایگزینی صادرات، صادرات کالاهای صنعتی کاربر، جانشین صادرات کالاهای ابتدایی و مواد اولیه می شوند اما در استراتژی توسعه صادرات، تشویق صادرات شامل کالاهای ابتدایی، مواد اولیه کشاورزی و معدنی می شود.

مالی" در هر دو حالت استفاده از شاخص های توسعه تجارت یا آزادسازی تجاری فوق، شامل دو شاخص زیر است:

- ۱- نسبت اعتبارات تخصیص یافته به بخش خصوصی، به تولید ناخالص داخلی: (PrivateIran)
- ۲- نسبت نقدینگی، به تولید ناخالص داخلی: M2Iran (یا به عبارت دیگر شاخص تعمیق مالی: (M2GDPIran) همچنین دوره مورد بررسی بین سال های ۱۳۴۴ تا ۱۳۸۴ می باشد که آمارهای مربوطه از "World 2007 Development Indicators" گردآوری شده است. به طور کلی در استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری VAR بایستی تمامی متغیرهای مورد استفاده پایا باشند و در غیر این صورت لازم است که قبل از برآورد الگو، متغیرهای ناپایا به پایا تبدیل شوند. از آنجا که اغلب متغیرهای سری زمانی اقتصاد کلان ناپایا و دارای یک

موافقان تجارت آزاد معتقدند که تجارت آزاد، رشد اقتصادی را شتاب می دهد و از آن به عنوان موتور رشد اقتصادی یاد کرده اند. اما مخالفان تجارت آزاد، آن را عامل مهمی در کاهش رشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه می دانند

۴- معرفی متغیرها، ارائه مدل و روش اجرایی

به منظور شناخت آثار توسعه تجارت بر توسعه مالی در اقتصاد ایران، در این مقاله از الگوی خودرگرسیون برداری (VAR) به صورت: $X_t = \Pi_1 X_{t-1} + \Pi_2 X_{t-2} + \dots + \Pi_k X_{t-k} + \varepsilon_t$ و روش های تابع عکس العمل آنی (IRFS) و تجزیه واریانس (VDCS) در چارچوب این الگو استفاده می گردد. (X برداری از دو متغیر درونزا و K طول وقفه بهینه برای هر متغیر است). شاخص های انتخابی برای متغیر "توسعه تجارت" شامل دو شاخص زیر است:

- ۱- نسبت تجارت، به تولید ناخالص داخلی: (TradeIran)
 - ۲- نسبت صادرات، به تولید ناخالص داخلی: (ExportIran)
- که علاوه بر این امر که می تواند نمایانگر درجه آزادسازی تجاری باشد، می تواند در تحلیل ها به عنوان بررسی افزایش یا کاهش سهم تجارت و صادرات در اقتصاد نیز استفاده شود. همچنین شاخص های انتخابی در این تحقیق برای "توسعه

روند تصادفی هستند در این مقاله ابتدا به بررسی وضعیت ناپایایی متغیرها خواهیم پرداخت. در واقع در صورت وجود ناپایایی و روند تصادفی در متغیرها، نتایج حاصل از روش های اقتصادسنجی که با استفاده از این سری های زمانی ناپایا صورت می پذیرد می تواند منجر به برآورد و تفسیرهای نادرست گردد و به این علت این نتایج غیرمعتبر است، بنابراین با توجه به احتمال وجود شکست های ساختاری در میان متغیرهای سری زمانی کشورهای در حال توسعه از "آزمون ریشه واحد فیلیپس-پرون" استفاده شده است. لازم به ذکر است که معمولاً به وسیله تقاضا گیری می توان متغیرهای ناپایا را به پایا تبدیل کرد. از آنجا که استفاده از تقاضا اول متغیرها می تواند موجب از دست رفتن اطلاعات بلند مدت آنها گردد لازم است تا قبل از استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری VAR با استفاده از "آزمون هم انباشتگی یوهانسون و جوسیلیوس" از عدم وجود روابط بلندمدت در میان متغیرها اطمینان حاصل گردد. این امر به این دلیل است که شرط استفاده از آزمون

VAR عدم وجود بردار هم انباشتگی بین متغیرها است. به عبارت دیگر در صورت وجود بردار هم انباشتگی استفاده از این الگو به علت عدم لحاظ اطلاعات بلند مدت نادرست و به جای آن بایستی از الگوی "شناسایی بردار VECM" استفاده کرد. بنابراین در صورت عدم شناسایی بردار هم انباشتگی، به منظور شناسایی آثار مثبت و منفی تجارت و صادرات بر شاخص های توسعه مالی از روش توابع عکس العمل آنی در الگوی VAR و در صورت شناسایی بردار هم انباشتگی الگوی VECM (البته با استفاده از متغیرهای پایا شده) انجام می پذیرد. در واقع از آنجا که تخمین الگوی VAR برای تحلیل نتایج به علت استفاده از شکل خلاصه شده معادلات مناسب نیستند، از روش تابع عکس العمل آنی در چارچوب الگوی VAR استفاده می گردد. همچنین با استفاده از تجزیه واریانس مشخص خواهد شد که سهم تغییرات متغیر توسعه مالی نسبت به متغیرهای تجارت و صادرات به چه میزان بوده است.

۵- تجزیه و تحلیل نتایج

در این قسمت به بررسی نتایج حاصل از روش تحقیق معرفی شده در قسمت قبل می پردازیم. نتایج حاصل از اجرای آزمون های ریشه واحد، هم انباشتگی و علیت گرنجری در چارچوب الگوی VAR در جداول (۱) تا (۳) آمده است. برای مشخص شدن درجه انباشتگی متغیرها از آزمون ریشه واحد فیلیپس-پرون استفاده می شود. با توجه به نتایج آزمون ریشه واحد (جدول ۱)

جدول ۱- نتایج آزمون ریشه واحد فیلیپس-پرون در سطح و تفاضل اول متغیرها

متغیر	آماره محاسبه شده	مقادیر بحرانی		
		۱۰ درصد	۵ درصد	۱ درصد
TradeIran	C-۱.۷۰	-۲.۶۱	-۲.۹۴	-۳.۶۰
ExportIran	N-۰.۲۰	-۱.۶۲	-۱.۹۵	-۲.۶۱
PrivateIran	C-۲.۰۱	-۲.۶۱	-۲.۹۴	-۳.۶۱
M2Iran	C-۲.۲۸	-۲.۶۱	-۲.۹۴	-۳.۶۰
(D)TradeIran	C-۶.۶۹	-۲.۶۱	-۲.۹۴	-۳.۶۱
(D)ExportIran	N-۵.۴۱	-۱.۶۲	-۱.۹۵	-۳.۶۱
(D)PrivateIran	C-۵.۹۳	-۲.۶۱	-۲.۹۴	-۳.۶۲
(D)M2Iran	C-۴.۴۱	-۲.۶۱	-۲.۹۴	-۳.۶۱

ملاحظه می گردد که آماره محاسبه شده این آزمون برای سطح تمامی چهار متغیر شاخص های توسعه مالی، تجارت و صادرات، کوچک تر از مقادیر بحرانی در هر سه سطح ۱۰ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد است و از طرف مقابل این آماره برای تفاضل اول آنها از مقادیر بحرانی بزرگ تر است. از این رو نتایج این آزمون دلالت بر ناپایایی تمامی متغیرها در سطح آنها و پایایی تفاضل اول آنها دارد و فرضیه ریشه واحد برای همه متغیرها تأیید می گردد. بنابراین به منظور اجتناب از وجود رگرسیون های کاذب و برآوردهای نادرست باید از تفاضل اول آنها یا متغیرهای پایا شده استفاده کرد. همان طوری که در قسمت قبل ذکر شد قبل از استفاده از آزمون علیت گرنجری باید از عدم وجود روابط بلندمدت در میان متغیرهای ناپایا اطمینان حاصل کرد. در این خصوص نتایج

حاصل از آزمون هم انباشتگی یوهانسون و جوسیلیوس (جدول ۲) دلالت بر عدم وجود بردار هم انباشتگی در میان دو متغیر ناپایای شاخص های توسعه مالی با دو متغیر ناپایای تجارت و صادرات (در چهار حالت ممکن) را دارد. این امر به دلیل کمتر بودن هر دو آماره ویژه و ماکزیمم مقادیر ویژه در سطح پنج درصد مقادیر بحرانی است. لازم به ذکر است که برای تعیین وقفه مناسب در این آزمون از معیار شوارتز استفاده شده است.

جدول ۲- نتایج آزمون هم انباشتگی یوهانسون - جوسیلیوس

متغیر	نوع آزمون	فرضیه صفر	آماره آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد
PRIVATEIRAN TRADEIRAN	Trace	r=0	9.778841	19.96
		r>1	2.654519	9.24
TRADEIRAN	Max-Eigen	r=0	7.124322	15.67
		r>1	2.654519	9.24
M2IRAN TRADEIRAN	Trace	r=0	15.55523	19.96
		r>1	6.110638	9.24
TRADEIRAN	Max-Eigen	r=0	9.444590	15.67
		r>1	6.110638	9.24
PRIVATEIRAN EXPORTIRAN	Trace	r=0	9.704380	19.96
		r>1	2.647043	9.24
EXPORTIRAN	Max-Eigen	r=0	7.237337	15.67
		r>1	2.647043	9.24
M2IRAN EXPORTIRAN	Trace	r=0	12.90330	19.96
		r>1	3.806399	9.24
EXPORTIRAN	Max-Eigen	r=0	9.096898	15.67
		r>1	3.806399	9.24

با توجه به عدم شناسایی بردار هم انباشتگی بدون نگرانی می توان از روش های توابع عکس العمل آنی و تجزیه واریانس در چارچوب الگوی VAR استفاده کرد. اما قبل از آن بهتر است تا آزمون علیت گرنجری (در چارچوب الگوی VAR) نیز به منظور شناسایی جهت علیت میان متغیرهای نامبرده استفاده شود که با توجه به نتایج آن (جدول ۳)

جدول ۳- نتایج آزمون علیت گرنجری در چارچوب VAR

تعداد وقفه بهینه	فرضیه صفر: درصد احتمال این که تجارت علت توسعه مالی نیست		متغیر
۱	۷۰	۴	(D)PrivateIran (D)TradeIran
۱	۲۶	۴۵	(D)M2Iran (D)TradeIran
۱	۱۸	۸	(D)PrivateIran (D)ExportIran
۱	۴۷	۹۲	(D)M2Iran (D)ExportIran

ملاحظه می‌گردد که در حالت استفاده از شاخص توسعه مالی PrivateIran جهت علیت از سطح کل تجارت و صادرات (ExportIran & TradeIran) به توسعه مالی - به علت رد شدن فرضیه صفر مبنی بر عدم رابطه علیت - تأیید می‌گردد. با این وجود در حالت استفاده از شاخص توسعه مالی M2Iran عدم هرگونه رابطه علت و معلولی میان تجارت و صادرات (ExportIran & TradeIran) (یا افزایش سهم تجارت و صادرات در تولید ناخالص داخلی) و توسعه مالی - به علت نتوانستن رد کردن فرضیه صفر مبنی بر عدم رابطه علیت - حمایت می‌شود. شایان توجه است که در کشورهای در حال توسعه با توجه به وجود پدیده پولی بودن تورم و همچنین عدم امکان کافی برای استفاده از نقدینگی در موارد دیگر بایستی به نتایج حاصل از به کار بردن شاخص M2 با احتیاط عمل کرد و در مجموع شاخص Private نماگر بهتری از توسعه مالی است.

اکنون با استفاده از توابع عکس العمل آنی، در حالت استفاده از شاخص PrivateIran برای متغیر توسعه مالی که رابطه علیت در این حالت مورد تأیید قرار گرفت، اثر یک انحراف معیار یا تکانه متغیرهای تجارت و صادرات TradeIran و ExportIran را بر روی توسعه مالی (به منظور شناسایی مثبت و منفی بودن آثار توسعه تجارت و صادرات بر توسعه مالی) بررسی می‌نماییم. جداول (۴ و ۵) نتایج تجزیه واریانس شاخص توسعه مالی PrivateIran را در حالت استفاده از شاخص های مختلف آزادسازی تجاری نشان می‌دهد.

جدول ۴- تجزیه واریانس شاخص توسعه مالی (در حالت استفاده از متغیر تجارت)

Period	.S.E	D(PrivateIran)	D(TradeIran)
۱	۳.۰۰۱۶۳۴	۱۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰
۲	۳.۱۷۷۳۳۰	۸۹.۲۴۶۵۷	۱۰.۷۵۳۴۳
۳	۲۱۴۳۸۳	۸۷.۲۱۵۲۹	۱۲.۷۸۴۷۱
۴	۳.۲۲۱۴۱۵	۸۶.۸۳۸۱۰	۱۳.۱۶۱۹۰
۵	۳.۲۲۲۷۴۴	۸۶.۷۶۷۰۸	۱۳.۲۳۲۹۲
۱۰	۳.۲۲۳۰۵۴	۸۶.۷۵۰۵۳	۱۳.۲۴۹۴۷
۲۰	۳.۲۲۳۰۵۴	۸۶.۷۵۰۵۳	۱۳.۲۴۹۴۷

جدول ۵- تجزیه واریانس شاخص توسعه مالی (در حالت استفاده از متغیر تجارت)

Period	.S.E	D(PrivateIran)	D(ExportIran)
۱	۳.۰۴۰۱۶۹	۱۰۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰
۲	۳.۱۶۹۳۶۱	۹۲.۱۴۸۵۱	۷.۸۵۱۴۹۱
۳	۳.۲۰۱۵۷۲	۹۰.۵۳۸۲۴	۹.۴۶۱۷۶۳
۴	۳.۲۱۰۹۸۹	۹۰.۰۶۷۱۳	۹.۹۳۲۸۷۰
۵	۳.۲۱۳۷۲۵	۸۹.۹۳۱۳۶	۱۰.۰۶۸۶۴
۱۰	۳.۲۱۴۸۶۴	۸۹.۸۷۵۷۸	۱۰.۱۲۴۲۲
۲۰	۳.۲۱۴۸۴۹	۸۹.۸۷۵۶۶	۱۰.۱۲۴۳۴

ستون SE خطای پیش بینی متغیرهای مربوط را طی دوره های مختلف نشان می دهد. از آنجایی که این خطا در هر سال بر اساس خطای سال قبل محاسبه می شود لذا طی دوره زمان افزایش می یابد. براساس این جداول، به غیر از ابتدای دوره همواره ۱۳ درصد تغییرات شاخص توسعه مالی PrivateIran به TradeIran و تقریباً ۱۰ درصد آن به ExportIran مربوط می شود.

۶- نتیجه گیری

با توجه به مطالب گفته شده بررسی آثار تجارت بر توسعه مالی از اهمیت خاصی برای سیاستگذاران برخوردار است بدین معنی که اگر افزایش سطح تجارت موجب افزایش سطح توسعه مالی گردد به منظور بهبود و توسعه بخش مالی اقتصاد، سیاست های آزادسازی تجاری و توسعه تجارت و صادرات توصیه می گردد و در صورت برآورد اثر منفی بر وضعیت توسعه مالی کشور، سیاستگذاران قبل از اقدام به سیاست های آزادسازی تجاری و حتی توسعه تجارت و صادرات باید اقدامات لازم برای رقابت مندرسازی بخش مالی را در دستور کار قرار دهند.

با توجه به نتایج به دست آمده، این مهم استنباط می گردد که افزایش سطح تجارت و صادرات در اقتصاد ایران موجب افزایش سطح توسعه مالی می گردد. در نتیجه نه تنها توسعه تجارت و همچنین آزادسازی تجاری (از جمله الحاق به سازمان جهانی تجارت WTO) در اقتصاد ایران موجب محدودیت و کاهش سطح توسعه مالی نمی گردد بلکه اعمال این قبیل سیاست ها از آنجا که سبب توسعه صادرات بخش های دارای صرفه های ناشی از مقیاس بالا میشود و این امر نیاز صنایع و بنگاه های ایران به منابع مالی خارج از آن بنگاه ها و صنایع را افزایش می دهد؛ موجب توسعه سیستم مالی اقتصاد ایران نیز می شود.

از آنجا که تحولات حساب جاری در کشور ما تا حدود زیادی تحت تأثیر تغییرات حساب سرمایه قرار دارد و با توجه به حجم قابل توجه بدهی های خارجی کشور، همچنین ضرورت کاهش آسیب پذیری اقتصاد نسبت به شوک های خارجی (از جمله کاهش شدید بهای نفت، سرایت بحران پولی کشورهای جنوب شرق آسیا به ایران، بحران عدم اعتماد سیاسی و ...) لازم است که نسبت به سیاست های مربوط به آزاد سازی تجاری با احتیاط بیشتری عمل شود.

چون در اقتصاد ایران صادرات نفتی سبب می شود که یک جریان ارز وارد کشور شود و قیمت های داخلی بالا رود، لذا صادرات کاهش و واردات افزایش می یابد، بنابراین صادرات نفتی جانشین صادرات غیر نفتی شده است و موجبات تضعیف صادرات غیر نفتی را فراهم آورده

است. بنابراین موفقیت سیاست های آزاد سازی تجاری منوط به افزایش صدور کالاهای غیر نفتی است. از طرفی استراتژی توسعه صادرات غیر نفتی نمی تواند برای اقتصاد ایران مثمر ثمر باشد و استراتژی جانشینی واردات نیز اقتصاد ایران را به نتیجه مطلوب نخواهد رساند. از آنجا که نتایج مدل های علی، تأثیر مثبت رشد واردات بر رشد جمع ارزش افزوده بخش های صنایع و معادن و کشاورزی و به طور ضمنی تأثیر مثبت رشد صادرات نفتی بر رشد ارزش افزوده بخش خدمات را تأیید می کنند، بنابراین باید به استراتژی ای اندیشید که اقتصاد ایران را از دو وابستگی برهاند: الف) وابستگی به واردات؛ ب) وابستگی به صادرات نفتی. این نتایج، پیشنهاد اتخاذ همزمان استراتژی جایگزینی واردات و جایگزینی صادرات را در مورد ایران امکان پذیر می سازد؛ تا از سویی، صادرات کالاهای صنعتی کاربر جایگزین صادرات نفتی شده و از سوی دیگر، شدت وابستگی به واردات کاهش یابد. لذا براساس این مطالعه پیشنهاد می شود که با کاهش محدودیت های تجاری نظیر تعرفه ها از یک طرف و از طرف دیگر توسعه ی صادرات و هم چنین به کارگیری نیروی کار ماهر (به عنوان سرمایه ی انسانی) در رشد جهت افزایش رشد اقتصادی گام های اساسی برداشته شود. چراکه با آزادسازی تجاری از طریق کاهش تعرفه ها و توسعه ی صادرات و با تقویت نیروهای متخصص و کارآمد و به موازات آنها اتخاذ سیاست های همگام با سیاست آزادسازی تجاری، می توان به رشد بالایی در اقتصاد ایران دست یافت.

منابع:

۱. جوادی، شاهین/ مهدوی، ابوالقاسم (مقاله آزمون تجربی رابطه تجارت خارجی و رشد اقتصادی در ایران / فصلنامه پژوهش های اقتصادی / سال پنجم شماره ۴ / زمستان - ۱۳۸۴)
۲. بابازاده، محمد / رضایی بختیار، علیرضا / قدیمی دیزج، خلیل (مقاله آزاد سازی تجاری و رشد اقتصادی در ایران / پژوهشنامه ی علوم انسانی و اجتماعی ویژه اقتصاد / سال هفتم / شماره ۲۶ / پاییز ۱۳۸۶ -)
۳. راستی، محمد (مقاله آثار توسعه تجارت بر توسعه مالی در اقتصاد ایران / بررسی های بازرگانی / شماره ۳۷ / مهر و آبان ۱۳۸۸ -)
4. Yongfu Huang / Jonathan Temple (Does External Trade Promote Financial Development? / CEPR Discussion Paper No. 5150 (July) / 2005)
5. Hiro Ito (Financial Development and Financial Liberalization in Asia: Thresholds, Institutions and the Sequence of Liberalization / North American Journal of Economics and Finance 17(3): pp. 303-327 / 2006)